

تصحیح و تحقیق نسخه خطی "زاد المعاد فی مهمات أصول الاعتقاد" شیخ معروف نودهی

عبدالرحمان اشکوه

دکتور حمید محمدامین عزیز

abulrahmanlawyer98@gmail.com

hameed.ameen@univsul.edu.iq

لیسانس حقوق، ویراستار انتشارات کردستان (سندج)

دکتورای فلسفه اسلامی (تخصص کلام) و مدرس
در دانشگاه سلیمانیه

تاریخ الاستلام: 2024/5/7

تاریخ قبول النشر: 2024/3/1

ملخص:

منظومه "زاد المعاد فی مهمات أصول الاعتقاد" من مؤلفات الشیخ معروف النودهی باللغة الفارسیة فی علم الکلام. تتكون المنظومة من 157 بیتا وتحتوي على أهم مسائل علم الکلام باختصار، وهي ما زالت مخطوطة لم تحقق سابقا ولم يطبع؛ ولكن لحسن الحظ حصل الباحثان على مخطوطتين له فقاما فی هذا البحث بدراسة وتحقيق المنظومة. كتب الباحثان فی قسم الدراسة بعد المقدمة التمهيدية حياة الشیخ النودهی وبعدها جاء بتاريخ موجز لعلم الکلام فی الحضارة الإسلامية وفی نهاية قسم الدراسة كتبنا عن أهمية هذه المنظومة من بین مؤلفات النودهی ومنهج النودهی فی عرض مسائل العقيدة. ثم كتبنا فی قسم التحقيق النصّ المحقق بالاعتماد على نسختين خطيتين وعلقا على بعض أبيات المنظومة بتعليقات لتوضیح بعض المسائل العلمية وترجمة الأعلام وتوثيق الآراء والنصوص. وفی النهاية كتبنا أهم نتائج البحث والمصادر والمراجع المستفادة فی هذا البحث. وقد تم هذا البحث بهدف تصحيح إحدى مخطوطات علماء الأكراد وللمشاركة فی إحياء تراث أسلافنا. حاول نودهی فی هذا العمل تعريف عامة الناس بالمعتقدات الإسلامية باللغة الفارسیة. وقد اتبع فی هذه المنظومة منهج الأشاعرة واستعان بقدر الإمكان بأعمال سعد الدين التفتازاني.

الكلمات المفتاحية: العلم الکلام، الشیخ معروف النودهی، المنظومات العلمية، الکلام الأشعري

مقدمة تمهیدی

بر اهل علم پنهان نیست که سرزمین کردستان از گذشته‌های دور مهد علم و فرهنگ بوده و دانشمندان و متفکران بی-شماری از آن برخاسته‌اند. با مطالعه سرگذشت این بزرگان و تاریخ علم در کردستان متوجه خواهیم شد که علما و دانشمندان این دیار میراث علمی ارزنده‌ای را برای ما به یادگار گذاشته‌اند، اما متأسفانه بیشتر آثار آنان از میان رفته و اندکی از آن در اختیار ماست که اکثرا به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های جهان پراکنده و برخی نیز در حوادث دوران از بین رفته است. با توجه به اهمیت معرفی میراث فکری پیشینیانمان به عنوان سنگ بنای هویت علمی و فرهنگی نسل جدید، بر خود لازم دیدیم که در حد وسع نقش خود را در این زمینه ایفا کنیم؛ لذا منظومه علمی ارزشمندی را از یکی از مشهورترین علمای کرد برگزیدیم که تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده بود، به امید اینکه از فقدان آن جلوگیری شود.

این منظومه "زاد المعاد فی مهمات أصول الاعتقاد" نام داشته و تألیف نابغه دوران، شیخ معروف نودهی برزنجی است. شیخ معروف نودهی با آثار عمده خود در اکثر علوم اسلامی جایگاه برجسته‌ای دارد و منظومه "زاد المعاد" از جمله آثار کلامی ایشان به زبان فارسی است که در 157 بیت مهمترین مسائل اعتقادات اسلامی را مورد بحث قرار داده است. این منظومه به دور از اختصار مغل و اطناب ممل، با زبان ساده و آسان، عامه مسلمانان را که مطالعات تخصصی در علم کلام ندارند، مورد خطاب قرار داده است. اکنون که دانشگاه سلیمانیه کنفرانس علمی شیخ معروف

نودهی را برگزار می‌کند، پژوهشگران مایل بودند با تصحیح و تحقیق این نسخه خطی در کنفرانس مزبور شرکت کرده و دین خود را به نسبت شیخ معروف نودهی ادا کنند.

این مقاله از دو قسمت تشکیل شده است:

1. قسمت پژوهش که شامل زندگی‌نامه شیخ معروف نودهی، تاریخ مختصر علم کلام در تمدن اسلامی و معرفی منظومه "زاد المعاد" خواهد بود.
2. قسمت تصحیح متن که شامل متن منظومه زاد المعاد، به علاوه بیوگرافی اعلام و ذکر منابع و مآخذ مباحث کلامی خواهد بود. سپس مهمترین نتایج این پژوهش بیان شده و در پایان منابع مورد استفاده ذکر خواهد شد. امید است که مورد پسند اهل تحقیق قرار گیرد.

چکیده پژوهش:

3. منظومه "زاد المعاد في مهمات أصول الاعتقاد" از تألیفات شیخ معروف نودهی به زبان فارسی است. موضوع این منظومه علم کلام و از 157 بیت تشکیل شده که مهمترین مسائل علم کلام را در بر می‌گیرد. این منظومه تاکنون به صورت خطی باقی مانده و تصحیح و چاپ نشده بود. اما خوشبختانه پژوهشگران به دو نسخه خطی از آن دست یافته و آن را تصحیح و تحقیق کرده‌اند؛ بدین صورت که پس از مقدمه تمهیدی، در قسمت پژوهش زندگینامه شیخ معروف نودهی، تاریخ مختصر علم کلام در تمدن اسلامی و معرفی منظومه زاد المعاد آورده شده است. در قسمت تصحیح نیز متن تصحیح شده به همراه تعلیقات لازم و مرجع اقوال و بیوگرافی اعلام ذکر شده است. در پایان مهمترین نتایج پژوهش و منابع و مآخذ به ترتیب ذکر شده‌اند. این پژوهش با هدف تصحیح یکی از نسخ خطی علمای کرد و به منظور مشارکت در احیای میراث پیشینیانمان انجام شده است. نودهی در این اثر سعی کرده با زبان فارسی مردم عامه را با عقاید اسلامی آشنا کند. وی در این منظومه بر نهج اشاعره رفته و از تألیفات سعدالدین تفتازانی بیشترین استفاده را کرده است.
4. **کلمات کلیدی:** علم کلام، شیخ معروف نودهی، منظومه‌های علمی، کلام اشعری

1. قسمت پژوهش

2. زندگی‌نامه شیخ معروف نودهی

علامه، شاعر، متکلم، فقیه و لغوی شهیر ملّت کرد، سید محمد پسر سید مصطفی پسر سید احمد که به شیخ معروف نودهی مشهور است، در سال 1166 هجری قمری، مصادف با سال 1752 میلادی در روستای نودی از توابع سلیمانیه زاده شد (خال، 2021م، ص317). وی از خاندان مشهور برزنجی است که علما و بزرگان بسیاری از آن برخاسته‌اند. ابتدا نزد پدر قرآن و برخی از کتب ابتدایی علوم اسلامی را تحصیل نمود. پس از آن به قلعه‌چوالان، پایتخت امارت بابان رفته و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به روستای هزارمیرد رفته و نزد علامه ابن‌الحاج سنجویی آلانی به تلمذ نشست. در مدت اقامت در هزارمیرد ملا عبدالله بیتوشی را ملاقات کرد و برخی از رسایل ادبی را از وی فرا گرفت. گفته می‌شود که نودهی الهام شاعری خود را وامدار بیتوشی است (خال، 2021م، ص321). سپس برای بار دوم به قلعه‌چوالان بازگشت و اجازه‌نامه علمی خود را از ملا محمد غزایی دریافت کرد. با بنای شهر سلیمانیه در سال 1785 توسط ابراهیم پاشا و تأسیس مسجد و مدرسه علمی در آن، شیخ معروف برای تدریس علوم نقلی و عقلی به سلیمانیه دعوت شد. به دنبال آن شیخ معروف در سلیمانیه به تدریس و تألیف پرداخت و آوازه دانش و تقوای او همه جا را فراگرفت. در این مدت شاگردانی چون کاک احمد شیخ (فرزندش)، مفتی زهاوی و شیخ حسین قاضی از خرمن دانش او توشه‌ها اندوختند تا اینکه در نهایت در سال 1838 میلادی مصادف با 1254 هجری دعوت حق را لبیک گفت و در مقبره سیوان آرام گرفت (خال، 2021م، ص323).

شیخ معروف چنانکه از منظومه‌های کلامی ایشان برمی‌آید، بر مسلک اشاعره بوده و در فقه از مذهب شافعی پیروی می‌کرد. لازم به ذکر است که کلام اشعری و فقه شافعی تا به امروز نیز توسط اکثر مسلمانان کردستان پیروی می‌شود.

در تصوف نیز بر طریقه قادریه بوده و این طریقت را از عموی پدرش، شیخ علی دولیمویی اخذ کرده بود تا به مرتبه ارشاد طالبان طریق رسید.

شیخ معروف نودهی بسیار به نظم کتب مداول حجره‌های کردستان رغبت داشت و سعی می‌کرد علوم اسلامی را در قالب اشعاری فصیح و روان به محصلان علوم اسلامی عرضه کند. بیش از 50 منظومه علمی در علوم اسلامی رایج دوران از او به جای مانده است. سبک نوشتاری او سلیس و روان است، به نحوی که علاقه‌مندان علوم اسلامی به آسانی می‌توانند از آثار ایشان مستفید گردند. اینک آثار ایشان: (الکردی، 2021، ص 25 تا 32)

1. *أزهار الخمائل في الصلوات المشتملة على الفضائل والشمائل.*
2. *أشرف المقاصد.* نظم شرح عقاید نسفیه در 216 بیت.
3. *الإغراب لنظم قواعد الإعراب.* نظم "مغنی اللیب" ابن هشام.
4. *أوثق العری في الصلاة والسلام على خير الوری.* قصیده‌ای 40 بیتی در مدیح نبوی.
5. *إيضاح المحجة وإقامة الحجة على الطاعن في نسب سادات برزنجة.* اثری از آن نیست.
6. *البرهان الجلی فی مناقب الإمام علی.* اثری از آن نیست.
7. *تخمیس قصیده بانت سعاد* از کعب بن زهیر.
8. *تخمیس قصیده برده بوصیری.*
9. *تخمیس قصیده لامیه العجم صغریایی اصفهانی.*
10. *تخمیس قصیده مضریه بوصیری.*
11. *ترصیف المبانی نظم تصریف الزنجانی.* منظومه 466 بیتی در نظم تصریف زنجانی در علم صرف.
12. *التعریف بأبواب التصریف.* رساله مختصری در علم صرف.
13. *تنقیح العبارات فی توضیح الاستعارات.* منظومه 166 بیتی در علم بیان.
14. *تنویر البصائر فی التحذیر عن الكبائر.* منظومه‌ای در خصوص نهی از ارتکاب گناهان کبیره در 64 بیت.
15. *تنویر الضمیر فی الصلوات المشتملة على أسماء البشیر التذیر.*
16. *تنویر العقول فی أحادیث الرسول.* اثری از آن نیست.
17. *تنویر القلوب فی مدح حبیب علام الغیوب.* اثری از آن نیست.
18. *الجوهر الأسنى فی الصلاة المشتملة على أسماء الله الحسنى.*
19. *الجوهر النضید فی قواعد التجوید.* منظومه‌ای در علم تجوید در 262 بیت.
20. *الذرة الفريدة.* نظم قسمت کلامی "النقاية" سیوطی در 77 بیت.
21. *راحه الأرواح فی الصلوات والتَّحیات المشتملتین على خصائص حبیب الملك الفتح.*
22. *روض الزَّهر فی مناقب آل سید البشر.* منظومه 131 بیتی در بیان فضایل اهل بیت.
23. *الروضة الغناء فی الدعاء بأسماء الله الحسنى.* منظومه 212 بیتی در استغاثه به نام‌های خداوند.
24. *زاد المعاد فی مهمات أصول الاعتقاد.* موضوع مقاله کنونی.
25. *السراج الوهاج فی مدیح صاحب المعراج.* اثری از آن نیست.
26. *سلم الوصول إلى علم الأصول.* منظومه 131 بیتی در علم اصول فقه.
27. *الشامل للعوامل.* منظومه 243 بیتی در نظم عوامل جرجانی.
28. *شرح الصّدر بذكر أسماء أهل البدر.* منظومه 402 بیتی در توسل به صحابه غزوه بدر.
29. *عقد الجوهر فی الصلاة والسلام على الشّفع المشفّع فی يوم المحشر.* منظومه‌ای در فواید صلوات.
30. *عقد الدرر فی نظم نخبة الفكر.* نظم کتاب "نخبة الفكر فی مصطلح أهل الأثر" در 210 بیت.
31. *عمل الصّیّغة فی علم البلاغة.* منظومه 800 بیتی در علم معانی.
32. *غیث الرّبیع فی علم البدیع.* منظومه 244 بیتی در علم بدیع.
33. *الفتح الإلهی فی الصلاة المشتملة على المناهی.*
34. *فتح الرحمن فی علمي المعان والبیان.* منظومه 384 بیتی در علم معانی و بیان.
35. *فتح الرّزاق فی أنکار دفع الإملاق وجلب الرّزاق.* رساله‌ای مختصر متضمن برخی اوراد و اذکار.
36. *فتح الرّؤوف فی معانی الحروف.* منظومه‌ای در بیان معانی حروف در 161 بیت.
37. *فتح المجید فی قواعد التجوید.* رساله فارسی مختصر در علم تجوید.

38. فتح الموفق في علم المنطق. اثری از آن نیست.
39. الفرائد في نظم العقائد. نظم شرح عقاید نسفیه در 490 بیت.
40. فرهنگ لغت عربی کردی/حمدیه در 368 بیت.
41. قطر العارض في علم الفرائض. نظم قسمت فرائض کتاب شرح منهج در 422 بیت.
42. كشف الأسف في الصلاة على سيد أهل الشرف. این 6 کتاب همانند کتاب "دلائل الخیرات" مشتمل بر صلوات رسول اکرم بوده و چنین مقرر کرده که در روزهای هفته جز روز شنبه خوانده شوند.
43. كشف البأساء بأذکار الصباح والمساء. اثری از آن نیست.
44. كشف الغامض. شرح منظومه قطر العارض.
45. كفاية الطالب نظم كافية ابن حاجب. منظومه 1683 بیته در نظم کافیه ابن حاجب در علم نحو.
46. المنظومة الطرفية. در 42 بیت.
47. منظومه "ای شده" به زبان فارسی در 211 بیت و در مدیح نبوی.
48. نظم الرسالة العضدية في علم الوضع. منظومه 68 بیته در نظم رساله وضع قاضی عضد ایجی.
49. نظم العروض. منظومه 175 بیته در علم عروض.
50. نظم آداب البحث. منظومه 23 بیته در آداب بحث و مناظره.
51. نظم منهاج الطالبین امام نووی که تنها 179 بیت از آن باقی مانده است.
52. وسیله الوصول إلى معرفة الأصول. نظم کتاب لب الأصول که تنها قسمتی از آن باقی مانده است.

2. تاریخ مختصر علم کلام در تمدن اسلامی

علم کلام از جمله علوم عقلی است که در تمدن اسلامی تأسیس شده و رشد و نمو یافته است. با شروع نهضت ترجمه در دوران عباسیان، مباحث الهیاتی و فلسفی یونان به زبان عربی ترجمه شده و سبب آشنایی مسلمانان با میراث علمی و عقلی تمدن یونان گشت. به دنبال ترجمه آثار یونانی و خصوصاً فلسفه ارسطو به عربی، عده‌ای از متفکران مسلمان فلسفه مشاء را در تمدن اسلامی بنیان گذاشتند که در این میان کندی به عنوان اولین فیلسوف مسلمان شناخته می‌شود. در تقابل با فلسفه مشاء، جریان معتزله به عنوان بنیانگذاران علم کلام به دفاع عقلانی از عقاید اسلامی پرداختند. معتزله با تمکین عقل و نشان دادن آن به عنوان سنجشگر حسن و قبح افعال و احکام شریعت، مکتبی کاملاً عقل‌گرا را بنیان نهادند. تا این دوران اهل سنت و جماعت به عنوان اکثریت مسلمانان جریان مستقل کلامی نداشته و علمای آن بیشتر اهل حدیث بودند. با حمایت‌های مأمون و معتصم عباسی از معتزله، در این بر محافل علمی مسلمانان تفوق یافتند. این روند ادامه داشت تا اینکه ابوالحسن اشعری که چهل سال در دامن اعتزال پرورش یافته بود، از اعتزال برگشته و از عقاید پیشین خود تبری جست. وی با عقل سرشار و تبخّر در علم کلام، سعی نمود عقاید اهل سنت و جماعت را در یک نظام فکری عقلانی عرضه کند. پس از ابوالحسن اشعری و در قرون بعدی پیروان مکتب کلامی او از جمله باقلانی، اسفراینی، غزالی، فخر رازی، تفتازانی، سید شریف جرجانی و جلال‌الدین دوانی مسیر وی را ادامه داده و با استفاده از علوم عقلی خصوصاً منطق و حکمت به مرور بر محافل علمی جامعه اسلامی تفوق یافتند، به نحوی که از قرن پنجم هجری به بعد جریان اشعری تفکر غالب اهل سنت و جماعت گردید (الفاوی، 1993م، ص85).

3. معرفی منظومه زاد المعاد

منظومه "زاد المعاد في مهمات أصول الاعتقاد" رساله مختصری به زبان فارسی شیوا در علم کلام است. چنانکه شیخ معروف نوده‌ی در آغاز کتاب بیان می‌کند، آن را برای عامه مردم که به زبان عربی و کتب تخصصی کلام آشنایی ندارند، سروده است. زمان سرودن آن چنانکه نوده‌ی در پایان منظومه بدان اشاره می‌کند، 1193 تا 1200 هجری قمری است، یعنی نوده‌ی این منظومه را در دوران جوانی خود سروده است. همچنین بنا بر گفته خود نوده‌ی در مقدمه همین منظومه، آن را پس از دیگر اثر کلامی خود به زبان عربی (الفرائد) سروده است.

این منظومه در 157 بیت و وزن آن رمل مسدّس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) است. با توجه به اینکه دیگر آثار کلامی عربی شیخ معروف در سطح علمی بالاتری بوده و بیشتر مورد توجه اهل فن بوده است، همچنین تسلط بر زبان فارسی پس از شیخ معروف کم کم در کردستان تحت سلطه عثمانی کمرنگ شد، این منظومه از اقبال کمی برخوردار

بوده تا جایی که شیخ محمد خال آن را از جمله کتابهای مفقود شیخ معروف نوده‌ی به حساب می‌آورد. (خال، 2021م، ص374) اما خوشبختانه دو نسخه از کتاب در مرکز ژین و کتابخانه اوقاف سلیمانیه یافت شده و بر اساس آنها این منظومه مورد تصحیح قرار گرفت. نسخه مرکز ژین به خط شیخ مصطفی، نوه ناظم می‌باشد و مبنای کار ما قرار گرفت که در سال 1297 کتابت شده است.

از لحاظ محتوایی این منظومه بر مبنای باورهای اشاعره سروده شده است. همچنین بنا بر گرایش عرفانی شیخ، در دو بخش از کتاب به سمت و سوی مباحث عرفانی کشیده می‌شود. علاوه بر این تأثر وی از آثار سعدالدین تفتازانی که کتب کلامی او سالها در همه اقطار عالم اسلامی تدریس شده و می‌شود، مشهود است. نوده‌ی در این منظومه از ذکر ادله خودداری می‌کند و صرفاً مباحث را بنا بر قول قوی‌تر نزد اشاعره بیان می‌کند. به طور کلی می‌توان این اثر را هم‌رده دیگر اثر کلامی شیخ به عربی، یعنی کتاب "الدرة الفریدة" و حتی بالاتر دانست.

قسمت تصحیح متن

1. متن منظومه "زاد المعاد فی مهمات أصول الاعتقاد"

بسم الله الرحمن الرحيم

1. حمد و شکر خارج از حد بیان	***	مر خدای این جهان و آن جهان
2. زنده دانا، مرید است و قدیر	***	بی‌زبان گویا، سمیع است و بصیر ¹
3. صد هزاران از سلام و از درود	***	بر محمد روشنی‌بخش وجود
4. فخر عالم، مظهر اسرار غیب	***	پاک خلق و پاک خلق از نقص و عیب
5. بعد از او بر آل و بر یاران او	***	سالکان مسلک و فرمان او
6. پس چنین می‌گوید ابن مصطفی	***	می‌دهد دل را اصول دین صفا
7. شرح خواهد کرد صدر مؤمنان	***	می‌برد از دل همه شک و گمان
8. دارد این علم عقاید زیب و فر ²	***	هست اشرف از همه علم دگر
9. من به تازی گفته بودم یک کتاب	***	از رجز در حال ایام شباب ³
10. بهر طلاب عقاید نافع است	***	مر مهمات مسائل جامع است
11. خواستم نظم دگر انشا کنم	***	مذهب اصحاب حق افشا کنم
12. فارسی لهجه بود تا هر بلید	***	همچو زیرک گردد از وی مستفید
13. از اصول دین بردارد نقاب	***	خلق را روشن کند راه صواب
14. استخاره کردم از حق با خضوع	***	پس به نام او در آن کردم شروع
15. داد توفیق ز فضل و لطف عام	***	با شتاب اندک زمانی شد تمام
16. میوه تحقیق حق را هست باغ	***	دیده اهل عقاید را چراغ
17. پس نهادم نام او زاد المعاد	***	فی مهمات اصول الاعتقاد
18. ذخیر گردان ای خداوند عزیز	***	این کتابم بهر روز رستخیز

¹. شیخ معروف نوده‌ی در این بیت صفات هفتگانه معانی را برمی‌شمرد که عبارتند از: حیات، علم، اراده، قدرت، کلام، سمع و بصر. همچنین این بیت دارای براعت استهلال است و با ذکر صفات متوجه می‌شویم که موضوع این منظومه، علم کلام است.

². زیب و فر: شکوه و زیبایی.

³. منظور ناظم از کتاب عربی خویش در علم کلام "الفرائد فی نظم العقائد" است که در 490 بیت سروده شده و دو بار توسط احمد فائز بزرنجی شرح شده است.

آغاز کتاب در بیان اینکه نظر مسائل این علم و استضانه به نور استدلال که موجب ترقی مدارج کمال است، و ایراد حجت و برهان که مفید یقین و اذعان است، واجب و لازم است یا نه؟ و تقلید اغیار جایز و درست یا نه، و در ذکر شمه‌ای از حالت بیان و شهود که اجل و اکمل مراتب توحید معبود است، جلّ جلاله

19. آمدی¹، استاد ابواسحاق²، فخر³ *** بود هر یک پیشوای اهل عصر
20. منع می‌دارند تقلید سوا *** عنبری⁴ تقلید را دارد روا
21. شافعی⁵ محذور می‌دارد نظر *** در عقاید، کز نظر آید خطر
22. هر که بر اوّل مقلد می‌شود *** مؤمن عاصی است نزد معتمد⁶
23. لیک ابوهاشم⁷ چنین داده خبر *** نیست ایمان مقلد معتبر⁸
24. گفت این رأی است رأی اشعری⁹ ** شد در این گفتار بر وی مفتی
25. هر که را تفصیل شد این مسئله *** در دلش هرگز نماند قلقله
26. هر که دارد جزم تقلیدش بس است¹⁰ *** ورنه با وهم و گمان ناید درست¹¹

1. علی بن محمد آمدی (551-631ق)، طبیب، فیلسوف، متکلم و اصولی، در سال 551 ق مطابق با 1156م در آمد با دیاربکر کردستان ترکیه متولد گردید. در بغداد به تحصیل قرآن، حدیث و فقه پرداخت. ابتدا بر مذهب حنبلی بود اما دیری نیابید که به مذهب شافعی گروید. سپس به شام رفته و در آنجا به تحصیل علوم معقول پرداخت و سرآمد همگان شد که به قول سیوطی «کسی در این علوم در زمانه او داناتر از او نبود». سرانجام در سال 631ق برابر با 1234م درگذشت و در جبل قاسیون به خاک سپرده شد.
آمدی در خصوص وجوب نظر در مسائل کلامی می‌گوید: «اجمع اکثر أصحابنا والمعتزلة وکثیر من أهل الحق من المسلمین علی أن النظر المؤدی إلى معرفة الله تعالی واجب، غیر أن مدرک وجوبه الشرع عندنا خلافا للمعتزله فی قولهم إن مدرک وجوبه العقل دون الشرع». آمدی، أبکار الأفكار، ج 1، ص 19.

2. رکن الدین، ابراهیم بن محمد (337-418ق)، فقیه شافعی و متکلم اشعری در حدود 337ق به دنیا آمد. آرای فقهی و اصولی او در منابع مختلف فقه شافعی مورد توجه است. درباره نقش او در کلام اشعری گفته‌اند: ابواسحاق، باقلانی و ابن‌فورک، سه تن بودند که مدرسه ابوالحسن اشعری را با تلاش خود استحکام بخشیدند. مناظره کوتاه او با قاضی عبدالجبار معتزلی درباره مشیت الهی و معصیت بندگان که قاضی معتزلی را به سکوت و اداشت، حاکی از توان او در کلام است. وی همچنین مناظره‌ای دیگر در مجلس سلطان محمود غزنوی با عالمان کرامیه داشته است. درباره دیدگاه اسفراینی در خصوص تقلید در عقیده رجوع شود به: زرکشی، البحر المحیط، ج 6، ص 278.

3. محمد بن عمر مشهور به امام فخر رازی، مفسر، فقیه، فیلسوف، پزشک، ریاضیدان، منجم و دانشمند علوم معقول و منقول بود. وی به همراه سهروردی نزد مجدالدین جیلی علوم عقلی را فراگرفت. وی از جمله معدود افرادی است که تقریباً به همه علوم رایج زمان خود آگاهی و اشرافیت داشته و او را عاملی موثر در ایجاد کلام فلسفی شمرده‌اند. وی در اکثر اصول مسلم فلسفی شک کرده و از این رو به امام المشککین معروف است. نوشته‌ها و تصنیفات امام فخر رازی متعدد و در رشته‌های گوناگون فلسفه، حکمت، کلام، فقه و دانش‌های همانند آن‌هاست. مفاتیح الغیب یا تفسیر کبیر فخر رازی مهم‌ترین تفسیر کلام اشعری است که تاکنون تالیف شده است.

امام فخر رازی می‌گوید: «لا يجوز التقليد فی أصول الدین لا للمجتهد ولا للعوام». رازی، المحصول، ج 2، ص 125.
4. عبیدالله بن حسن، فقیه، اهل حدیث و قاضی بصره بود. از آرای نادر او این بود که تقلید را در اعتقاد جایز می‌دانست. وی در سال 168ق وفات کرده است. رجوع شود به: شاطبی، الاعتصام، ج 1، ص 195.

5. محمد بن ادريس شافعی (150-204ق) در سال 150ق در غزه متولد شده و در دو سالگی به همراه مادرش به مکه رفت. در هفت سالگی قرآن و در ده سالگی کتاب «الموطأ» امام مالک را حفظ کرد. محققان امام شافعی را در فقه، حدیث، ادبیات عرب و شعر بسیار متبحر دانسته و ایشان را به عنوان بنیانگذار علم اصول فقه می‌شناسند. ایشان شعر نیز می‌سرود، گرچه خود را شاعر نمی‌دانست و معتقد بود اگر شعر در شأن علما بود، از لبید شاعرتر می‌شد. پنج سال در مصر زندگی کرد و در روز آخر رجب سال 204هجری در سن 54 سالگی در مصر وفات کرد و در همان‌جا دفن شد.

«السادس أن إيمان المقلد صحيح ويحرم عليه النظر وهو محمول على المخلوط بالفلسفة». الباجوري، تحفة المريد، ص 44.

6. «الثالث الاكتفاء به مع العصيان إن كان فيه أهلية للنظر وإلا فلا عصيان». الباجوري، تحفة المريد، ص 44.
7. ابوهاشم عبدالسلام بن محمد جبائی، متکلم معتزلی قرن سوم و چهارم است که در سال 277 زاده شد. وی در سال 314 یا ساکن بغداد شد و در 321 در همان‌جا درگذشت. ابوهاشم شاگرد پدر خود، ابوعلی جبائی، بود که در آن زمان ریاست معتزله بصره را به عهده داشت. او کتابهای متعددی تألیف کرد که هیچ کدام از آن‌ها باقی نمانده است.

8. «وصار أبو هاشم من المعتزلة إلى أن من لا يعرف الله بدليل فهو كافر وأصحابنا مجمعون على خلافه». آمدی، أبکار، ج 1، ص 27.
9. علی بن اسماعیل اشعری (260-324ق) مشهور به ابوالحسن اشعری در سال 260 در بصره زاده شد. وی از دودمان صحابی بزرگ، ابوموسی اشعری بود. از همان آغاز به درس ابوعلی جبائی راه یافت. وی همچنین در حلقه درس فقیه شافعی، ابواسحاق مروزی حاضر می‌شد. مهم‌ترین واقعه در زندگی امام اشعری تحول عمیقی بود که در اندیشه او روی داد، چرا که او تا 40 سالگی بر مذهب اعتزال بود و با استادش ابوعلی جبائی پیوندی نزدیک داشت، اما پس از آن در ملا عام رویگردانی خود را از این مکتب اعلام کرد. او در سال 324 در بغداد درگذشت و میان کرخ و باب بصره دفن شد. تنها بخش اندکی از 100 عنوان آثار او باقی مانده است، از جمله کتاب مقالات الإسلامیین و رساله استحسان الخوض فی علم الکلام.

10. لقانی در منظومه جوهرة التوحيد می‌گوید: ففيه بعضُ القوم يحكي الخُلفا *** وبعضهم حقق فيه الكشف

فقال إن يجزم بقول الغير *** كفى وإلا لم يزل في الضير.

11. مولوی در فضیله چنین سروده است: واختير قول أكثر الفحول *** امتنع التقليد في الأصول

27. عارف آن است از بیان حق را شناخت *** محض برهان راه توحیدش نساخت
 28. پرتو نور بیان در دل چو تافت *** لاجرم آن کس شهود حق یافت
 29. بنده را نبود در این منزل ثبات *** تا کند سوی سویدا التفات
- آغاز مقاصد کتاب در بیان اینکه عالم حادث است و بعد از عدم به وجود آمده و اینکه صانع او خدای واجب‌الوجود است و قدیم و یکتاست و اینکه ذات پاک او مخالف همه حقایق است و هرگز معلوم هیچ کس نگشته و نخواهد گشت.
30. عالم غلوی و سفلی هرچه هست *** ماسوای حق تعالی حادث است¹
 31. هر که می‌گوید بود عالم قدیم *** جای او فردا بود نار جحیم²
 32. صانع عالم خداوند احد *** نبودش مانند پاک است از عدد³
 33. وحدتش ظاهر ز مصنوعات او *** بی گمان واجب وجود ذات او⁴
 34. مر وجودش را نباشد ابتدا *** از حقایق کنه او باشد جدا⁵
 35. نه در این دنیا است ممکن علم آن *** نه در آن دولت‌سرای جاود
- در بیان تنزیه ذات واجب‌الوجود از اقسام عالم و از زمان و مکان و اینکه در آفریدن عالم فاعل مختار است و به آن حاجت ندارد و محل حوادث نیست.

36. نه عرض نه جسم نه جوهر خدای⁶ *** بود تنها در ازل نه حین و جای⁷
 37. پس برون آورد این عالم ز نیست *** ذات پاک او به آن محتاج نیست
 38. بهر نفع خود نیاوردش پدید *** گر خدا می‌خواست آن را نافرید
 39. نیست از ایجاد مصنوعات او *** حادثی عارض شود در ذات او

در ترجمه آیه کریمه "فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ" و در بیان شمول قدرت او و شمول علم او و اینکه اراده او تابع علم اوست.

40. هرچه می‌خواهد خداوند احد *** به وجود آرد، ارادت می‌کند⁸

وأنه صح بجزم المضمير *** وإن عصى بتركه للنظر
 1. قال التفاتاني: "العالم أي ما سوى الله تعالى من الموجودات مما يعلم به الصانع بجميع أجزائه من السموات وما فيها والأرض وما عليها محدث أي مخرج من العدم إلى الوجود." تفاتاني، شرح العقائد النسفية، ص 432.
 2. نودهی در این بیت قول فلاسفه مشائی را رد کرده است که عالم را قدیم می‌دانستند و این باور آنها دستاویز تکفیر آنان توسط امام محمد غزالی شد.
 3. "ومن ذلك قولهم بقدم العالم وأزليته فلم يذهب أحد من المسلمين إلى شيء من هذه المسائل" غزالی، المنقذ من الضلال، ص 86.
 4. قال العلامة المدرس: "أعلم أن الواجب لا يمكن أن يتعدد واستدل عليه الحكماء بأنه لو وجد واجبان لوجب أن يتميذا بالتعين لامتناع التعدد بدون التمايز في التعيين ولو امتازا بالتعين لزم التركيب في ماهيتهما والتركيب يستلزم الاحتياج وهو على الواجب محال." مدرّس، الفوائد التوحيدية على الرسالة الحميدية، ص 63.
 5. قال البرزنجي: "الواحد يعني أن صانع العالم واحد لا يمكن أن يصدق مفهوم واجب الوجود إلا على ذات واحدة" برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 91.
 6. قال التفاتاني: "الحق أن الواجب تعالى يخالف الممكنات في الذات والحقيقة." تفاتاني، شرح المقاصد، ج 4، ص 25.
 7. قال البرزنجي: "ليس بجوهر. أما عندنا فلأن الجوهر اسم للجزء الذي لا يتجزأ وهو متخيز وجزء من الجسم والله منزّه عن ذلك وكذا ليس بجسم لأنه متركب ومتخيز وذلك من أمارات الحدوث وليس بعرض لأنه لا يقوم بذاته بل يفتقر إلى محل يقومه فيكون ممكنا." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 91.
 8. قال النودهی في الدرّة الفريدة: وفي مكان ما له تمكن *** كذا عليه ليس يجري زمن.
 9. قال التفاتاني: "اتفق المتكلمون والحكماء وجميع الفرق على إطلاق القول بأنه مريد، وشاع ذلك في كلام الله تعالى وكلام الأنبياء عليهم السلام ودل عليه ما ثبت من كونه تعالى فاعلا بالاختيار، لأنه معناه القصد والإرادة مع ملاحظة ما للطرف الآخر، فكان المختار ينظر إلى الطرفين ويميل إلى أحدهما، والمريد ينظر إلى الطرف الذي يريده، لكن كثرة الخلاف في معنى إرادته. فعندنا صفة قديمة زائدة على الذات قائمة به على ما هو شأن سائر الصفات الحقيقية." تفاتاني، شرح المقاصد، ج 4، ص 128.

41. پس قدر، نیک و بد از وی کائن است¹ *** قدرت او شامل هر ممکن است²
 42. علم او هر چیز را شامل بود³ *** هر چه می‌داند که او حاصل بود
 43. می‌شود، آن را مرید آرد پدید *** ورنه آن را حق نمی‌گردد مرید⁴

در تنزیه اعتقاد از خیال حلول و اتحاد

44. در حق حق پاک گردان اعتقاد *** از خیالات حلول و اتحاد⁵
 45. هر کسی را باشد این فاسد خیال *** لاجرم افتاده در چاه ضلال

در بیان اسما و صفات قدیمه او

46. هست باقی پادشاه بی زوال *** انتها وصف بقایش را محال
 47. بود با اسمای خود اندر ازل *** با صفات ذات بی عیب و خلل⁶
 48. وصف ذات حق تعالی آن بود *** که بر آن عالم دلالت می‌کند⁷
 49. چون اراده، قدرت و علم و حیات *** یا دلیل آن بود تنزیه ذات⁸
 50. چون کلام است و بقاء، سمع و بصر *** در بقا باشد خلاف معتبر⁹

در بیان اعتقاد ظواهر معانی صفات و تنزیه ذات از ظواهر صفات مشکلات

51. هر صفاتی در حدیث است و کتاب *** اعتقاد ظواهر آنها صواب
 52. لیک در نزد سماع مشکلات *** از ظواهر تو بکن تنزیه ذات
 53. بعد از آن تفویض یا تأویل کن *** گر تو جاهل نیستی تفصیل کن¹⁰
 54. اولی باشد و هم اسلم است *** گرچه ثانی احکم است و اعلم است¹¹

در بیان قرآن که کلام قدیم اوست، سبحانه و تعالی

55. بر کتب تفصیل قرآن ظاهر است *** نیست مخلوق، او کلام قادر است

1. قال الباجوري: "وَكَلَّ أمر خير مثل الطاعة والإيمان وكذا سواه مثل الكفر والعصيان بقدر وقضاء". برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 127.
 2. لازم به ذکر است که متعلقات علم خداوند واجبات و ممکنات و ممتنعات خواهد بود. اما قدرت و اراده فقط به ممکنات تعلق داشته و سمع و بصر نیز صرفاً به موجودات تعلق می‌بندند. رجوع شود به: باجوري، تحفة المرید، ص 142.
 3. قال التفتازاني: "فهو بكل شيء عليم وعلى كل شيء قدير لا كما زعمت الفلاسفة من أنه لا يعلم الجزئيات". تفتازاني، شرح مقاصد، ج 4، ص 260.
 4. قال البرزنجي: "ثم مذهب أهل الحق أنّ إرادة الله تعالى متعلّقة بكل كائن، غير متعلّقة بما ليس بكائن". برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 136.
 5. حلول به معنای در آمدن یک موجود ماوراءالطبیعی به بدن دیگری است و اتحاد به معنای یکی شدن دو موجود است به نحوی که خود و دیگری در آن قابل تمایز نباشد. مبحث حلول در کلام اسلامی متمرکز بر باور به حلول خداوند در انسان یا موجودی دیگر است. معروفترین قائلان به حلول و اتحاد مسیحیان بودند اما گاه سابقه این باور در ادیان هندی، ایران، مصر و ادیان بین‌النهرین نیز یافت شده است. در میان جریانهای مذهبی در تاریخ اسلام، باور به حلول به دو طیف غلات صوفیه و غلات شیعه نسبت داده شده است. رجوع شود به: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مدخل حلول و اتحاد.
 6. لقانی در منظومه جوهره التوحید چنین سروده است: وعندنا أسمائه العظيمة *** كذا صفات ذاته القديمة. باجوري، جوهره التوحید، ص 99.
 7. قال التفتازاني: "بديهية العقل جازمة بأن محدث العالم على هذا النمط البديع والنظام المحكم مع ما يشتمل عليه من الأفعال المتقنة والنقوش المستحسنة لا يكون بدون هذه الصفات على أنّ أضعافها نقائص يجب تنزیه الله عنها". تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 232.
 8. دلیل این صفات تنزیه ذات خداوند از نقص و عیب است؛ چرا که صفات مخالف این صفات ثبوتی همه عیب و نقص به شمار می‌آیند. قال ابن القره داغي: "لا بد أيضاً كما لا بد أن يكون الواجب عالماً، أن يكون متكلماً لأن ضده في الحي نقص وهو عليه تعالى محال لأنه ذاته تعالى يجب تنزیهها عن النقائص" ابن القره داغي، تحفة الكرام، ص 109.
 9. امام اشعری صفت بقا را از صفات وجودی می‌داند، اما جمهور اشاعره معتقدند که بقا از صفات سلبی است.
 10. لقانی در جوهره التوحید چنین سروده است: وكل نص أو هم التشبيه *** أوله أو فوض ورم تنزیهها. باجوري، جوهره التوحید، ص 103.
 11. "طريقة الخلف أحكم وأعلم لما فيها من مزيد الإيضاح والرد على الخصوم وهي الأرجح وطريقة السلف أسلم لما فيها من السلامة من تعيين معنى قد يكون غير مراد له تعالى". باجوري، تحفة المرید، ص 104.

56. در صدور عارفان محفوظ او *** بر زبان قاریان ملفوظ او
57. خط بود اندر مصاحف بی‌گمان *** این چهار اطلاق را دارد قران
58. هر یکی باشد حقیقت نه مجاز *** دارد این اجمال تفصیل دراز¹

در اثبات اثابه و تعذیب بندگان

59. شرک را هرگز نیامرزد جلیل² *** می‌دهد بر طاعتش اجر جزیل
60. گر عقوبت کرد بر عصیان جزاست *** و بر بیامرزید فضلش را سزاست
61. هست جایز مر خداوند جهان *** کو دهد اجر ثواب مجرمان
62. هم دهد اصحاب طاعت را عذاب *** هم دهد تعذیب اطفال و دواب
63. گر بود واقع یکی زین سه مثال *** عدل باشد زانکه ظلم از وی محال³

در دیدن جمال خدای سبحانه و تعالی

64. مومنان در محشر دارالخلود *** جمله می‌بینند خلاق و دود
65. پس جوازش اندرین دنیا به خواب *** یا به بیداری بود قول صواب⁴
66. لیک کس او به چشم سر ندید *** جز پیمبر در شب معراج دید⁵

در بیان سعید و شقی

67. هر که دانسته خداوند مجید *** که بر ایمان مرده او باشد سعید
68. عکس آن باشد شقی گمراه دین *** پس مبدل نیست بهر آن و این⁶

در اثبات جزء اختیار و تمیز رضا و محبت از مشیئت و اراده جبار سبحان

69. بندگان دارند جزء اختیار *** نزد اهل سنت اندر جمله کار⁷
70. زین بود پاداش نیکی و بدی⁸ *** مذهب جبر است بی اصل و ردی
71. پس رضا و پس محبت از خدا *** از مشیئت وز اراده آن جدا⁹
72. کفر را راضی نباشد مر عباد *** لیک باشد کفرشان او را مراد

در بیان اینکه هیچ چیز بر خدا واجب نیست و اینکه هدایت و اضلال و رزق همه به دست اوست

¹. نودهی بیان می‌کند که قرآن مشترک لفظی بین 4 معنی است: 1. کلام نفسی 2. کلام ذهنی 3. کلام لفظی 4. خط در مصاحف. "وهو إنما يكون بالكلام الصادق على النفس القديم وعلى اللفظ المقروء وعلى الخطي المكتوب" ابن القرمداغي، تحفة الكرام، ص 112.
². "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ." نساء: 48.
³. عدل نزد معتزله و امامیه از اصول دین است و از این رو به آنان عدلیه گفته می‌شود. البته واضح است که هیچ کدام از فرق اسلامی منکر عدل نیست و نگفته‌اند که خدا عادل نیست، بلکه اختلاف در تفسیر و توجیهی است که درباره عدل دارند. اشاعره عدل را امری نسبی می‌دانند، یعنی هر آنچه که خدا انجام می‌دهد عدل است. در حالی که تفسیر معتزله و امامیه بر اساس بینشی است که درباره حسن و قبح اعمال دارند. بر طبق این مبنا معتقدند که افعال در ذات خویش، صرف نظر از دستور شرع، خوب یا بد هستند و عقل آدمی نیز قادر است آنها را درک کند؛ لذا بر خداوند واجب است که از قبیح پرهیز کند.
⁴. "واعلم أنه اختلف في أن رؤيته تعالى في الدنيا هل تجوز عقلاً؟ والحق نعم... وأما في الآخرة فتكون وتقع للمؤمنين في الموقف أي في المحشر والجنان." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 191.
⁵. قال النودهي في الدرر الفريدة: ولم يقع في دار دنیا بالبصر *** بقطة إلا لسيد البشر.
⁶. "السعيد من سعد في بطن أمه والشقي من شقي في بطن أمه." رواه السيوطي في الدرر المنتثرة.
⁷. "السعادة والشقاوة مقدرتان في الازل لا يتغيران ولا يتبدلان لأن السعادة هي الموت على الإيمان باعتبار تعلق علم الله أزل بذلك، والشقاوة هي الموت على الكفر بذلك الاعتبار. باجوري، تحفة المريد، ص 115.
⁸. "و للعباد أفعال اختيارية بثابون عليها إن كانت طاعة ويعاقبون عليها إن كانت معصية." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 387.
⁸. "لو لم يكن للعبد فعل أصلاً لما صح تكليفه ولا ترتب استحقاق الثواب والعقاب على أفعاله." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 389.
⁹. "قال المعتزلة: إن الإرادة تستلزم الأمر والرضا والمحبة ورد بمنع الملازمة." البرزنجي، خلاصة العقيدة، ص 138.

73. هیچ چیزی نیست واجب بر خدا¹ *** هم به دست اوست اضلال و هدا²
 74. نیست رازق بندگان را جز ودود *** آیه قرآن چنین آمد فرود
 75. آنچه کاندور وی بود نفع انام *** رزق باشد گرچه می‌باشد حرام³

در تعریف لطف و توفیق و خذلان و طبع و اکنه و افعال

76. خلق طاعت یا توانایی بر آن *** لطف و توفیق است از رب جهان⁴
 77. ضد آن خذلان بود ای نیک طبع *** ختم و افعال و اکنه نیز طبع
 78. خلق گمراهی است در قلب شقی *** فهو باق فی ضلال ما بقی⁵

در بیان فرستادن پیغمبران علیهم السلام با معجزات و ترتیب تفضیل ایشان و تفضیل رسل بر انبیا و تفضیل انبیا بر فرشته و در ذکر اختلاف سلف و خلق در نبوت جماعتی

79. حق فرستاده بسی پیغمبران *** خلق را کردند امر دین بیان⁶
 80. هر یکی را داده چندین معجزات *** خارق‌ات عادت‌اند و ظاهرات⁷
 81. در میانشان مصطفی مختار شد *** خیر عالم محرم هر راز شد⁸
 82. در حقیقت اولی خاتم بود *** گرچه اول در ظهور آدم بود⁹
 83. بر همه عالم¹⁰ به رحمت مرسل است *** از همه در خلق و اخلاق افضل است
 84. پس خلیل الله پس موسی بود *** همچو موسی نوح هم عیسی بود
 85. اهل عزم این پنج دان بی وهم و شک¹¹ *** پس رسل پس انبیا زان پس ملک¹²
 86. فضل اسرافیل و جبریل امین *** هست بر دیگر ملایک اجمعین
 87. نزد قومی زین دو بهتر اول است *** نزد جمعی صاحب وحی افضل است¹³
 88. مختلف شد در خضر اهل نقول *** که نبی است یا ولی است یا رسول
 89. لیک اصح زین اقاول اول است¹⁴ *** زنده است اکنون مخالف جاهل است
 90. هست در پیغمبری لقمان صاف *** مریم و حوا و اسکندر خلاف

1. "لا شيء من الأشياء واجبا عليه سبحانه وتعالى للعباد بإجماع الأشاعرة بل إن شاء غفر له وإن شاء عذبه." البرزنجي، خلاصة العقيدة، ص 145.

2. "والله تعالى يضل من يشاء ويهدي من يشاء بمعنى خلق الضلالة والاهتداء." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 432.

3. "والحرام رزق لأن الرزق اسم لما يسوقه الله تعالى إلى الحيوان فيأكله." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 429.

4. "اللفظ والتوفيق والعصمة ما كان به أي بسببه في الآخرة أي القيامة صلاح عبد بمعنى خلق قدرة الطاعة في العبد كما قال الأشاعرة." البرزنجي، خلاصة العقيدة، ص 191.

5. "الختم والإفقال والخذلان على قلوب الكفرة فكل من ذلك بمعنى خلق ضلالة أي فقدان الطريق وكذلك الران والصمم والوقر والأكنة." البرزنجي، خلاصة العقيدة، ص 191.

6. "وقد أرسل الله تعالى رسلا من البشر إلى البشر." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 543.

7. "وأيدهم بالمعجزات الناقضات للعادات." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 543.

8. "وأفضل الأنبياء محمد لقوله (كنتم خير أمة) ولا شك أن خيرية الأمة بحسب كمالها في الدين وذلك تابع لكمال نبيهم الذي يتبعونه." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 559.

9. "قالوا: يا رسول الله! متى وجبت لك النبوة؟ قال: وأدم بين الروح والجسد.

أخرجه الترمذي (3609) واللفظ له، وأبو نعيم في تاريخ أصبهان (197/2)"

10. "وما أرسلناك إلا كافة للناس بشيرا ونذيرا" سبأ: 28.

11. "فإليه سيدنا إبراهيم فسيدنا موسى فسيدنا عيسى فسيدنا نوح وهؤلاء هم أولو العزم أي الصبر وتحمل المشاق." باجوري، تحفة المريد، ص 145.

12. "يلي أولو العزم بقية الرسل ثم الأنبياء غير الرسل و بعدهم ملائكة." باجوري، تحفة المريد، ص 145.

13. "وقد اتفقوا على أن جبريل وميكائيل أفضل جميع الملائكة ثم اختلفوا في الأفضل منهما." باجوري، تحفة المريد، ص 146.

14. "قال الأكثرون إن ذلك العبد كان نبيا" الرازي، مفاتيح الغيب، 481/21.

91. قول اکثر این بود کین اصفیا *** نیستند از زمره‌های انبیا¹

در بیان عدد انبیا و رسل و عصمت ایشان از هر گناه و تعریف معجزه

92. انبیا صد الف بیست و چار هزار *** رسل ایشان سیصد و پانزده شمار²
 93. عصمت ایشان ز قول و فعل بد *** معجزه آن خارق عادت بود
 94. با تحدی باشد او را اقتران *** نبودش هرگز معارض مردمان³

در بیان اول شافع و مشفع که صاحب معراج است صلی الله علیه وسلم

95. شافع اوّل محمد مصطفی است *** آنکه کان و منبع صدق و صفاست
 96. نوربخش دیده اهل عمی *** شد شب اسرا به بالای سما
 97. رفت بالاتر به عرش حق رسید *** بی حجاب او را به چشم خویش دید⁴
 98. هر چه بر لوح از قلم مرقوم شد *** خاطرش را آن همه معلوم شد⁵

در تعریف ایمان و اسلام و در بیان حکم آنکه بگوید: "أنا مؤمن إن شاء الله تعالى"

99. هر که خواهد حد مؤمن را بیان *** هست او تصدیق و اذعان جنان⁶
 100. راندن قول شهادت بر زبان *** شرط آن اذعان بود نه شطر آن⁷
 101. پس بدان اسلام شهادت گفتن است *** این سخن از قول سیکی ابین است
 102. در وجودش معتبر ایمان بود⁸ *** پس تمام این دو وصف احسان بود
 103. هست او حق را پرستن با عیان⁹ *** شمه‌ای زو پیش از این کردم بیان
 104. هر که گوید گر خدای عرش خواست *** مؤمنم در حال شک نارد رواست¹⁰

در بیان اینکه ایمان با فسق زایل نمی‌شود و فاسق در دوزخ مخلّد نمی‌ماند

105. گر تو می‌داری به قول حق وثوق *** نیست ایمان را کند زایل فسوق¹¹
 106. هر که با ایمان و اذعان جان سپرد *** لیک از فسق و بدی توبه نکرد
 107. نیست در دوزخ که خالد ماند او *** بلکه در زیر مشیئه باشد او

1. قال السيوطي: وَاخْتَلَفْتُ فِي خَضِرِ أَهْلِ النَّفُولِ *** قِيلَ وَلِيَّ وَنَبِيِّ رَسُولٍ
 لُفْمان ذِي الْقَرْنَيْنِ حَوَى مَرْيَمَ *** وَالْمُنْعُ فِي الْجَمِيعِ رَأْيُ الْمُعْظَمِ
 2. "الأولى أن لا يحصر عددهم وإن ورد في الحديث أن عدد الأنبياء مئة ألف وأربعة وعشرون ألفاً وعدد الرسل ثلاث مئة وثلاثة عشر." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 151.
 3. "فالأمر الخارق للعادة إن قارن بدعوى النبوة مع تحدي المنكرين فمعجزة." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 162.
 4. "الصحيح أنه إنما رأى ربه بفؤاده لا بعينه." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 568.
 5. شاعر مشهور عرب، بوصیری در قصیده برده می‌گوید: "ومن علومك علم اللوح والقلم."
 6. "فاعلم أن الإيمان في الشرع تصديق النبي بالقلب في جميع ما علم بالضرورة مجبئة به." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 507.
 7. "إنما الإقرار شرط لإجراء الأحكام في الدنيا." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 510.
 8. "إن الإسلام المعتبر في الشرع لا يوجد بدون الإيمان." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 532.
 9. "الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه، فإن لم تكن تراه فإنه يراك" حديث متفق عليه.
 10. "ولا ينبغي أن يقول أنا مؤمن إن شاء الله لأنه إن كان للشك فهو كفر لا محالة وإن كان للتأدب أو إحالة الأمور إلى مشيئة الله تعالى أو للشك في عاقبة المال لا في الآن والحال أو للتبرك بذكر الله تعالى أو للتبرع عن تزكية نفسه والإعجاب بحاله فالأولى تركه لما أنه يوهم بالشك."
 11. "الكبيرة لا تخرج العبد المؤمن من الإيمان لبقاء التصديق الذي هو حقيقة الإيمان." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 472.

108. یا خدا او را مسامح می‌شود *** یا پس از تعذیب مفلح می‌شود
109. حق دهد او را عذاب جسم و جان *** پس درآید در بهشت جاودان

در اجل و روح

110. جز اجل هرگز نمیرد هیچ کس *** این سخن از آیه آمد مقتیس¹
111. روح می‌ماند پس از موت بدن *** کی شود فانی! ز کنهش دم مزین²

در کرامات و تفضیل بعضی از اولیا بر بعضی از ایشان و تحذیر از تکفیر اهل قبله

112. هر کراماتی³ که دارند اولیا⁴ *** آن همه از معجزات انبیا⁵
113. خایب آن باشد که آن را جاحد است *** عارف افضل از محب و زاهد است
114. اهل حب فاضل ترند از زاهدان *** هرگز اهل قبله را کافر مخوان⁶
115. لیک کفر از هر کسی صادر شده *** همچو شیعه لاجرم کافر شده⁷

در بیان تنعیم و عذاب و سؤال و معاد جسمانی و حشر و میزان و صراط و حساب و حوض و کتاب و بهشت و دوزخ

116. حق بود تنعیم و تعذیب عباد *** در مقابر با سؤال از اعتقاد
117. سائل مرده نکیر و منکر است *** حال مرده چون وقوف محشر است
118. لیک جمعی را نمی‌باشد سؤال *** همچو اطفال و شهیدان قتال
119. هم معاد ما که جسمانی بود *** هست او ایجاد اجزای جسد
120. عارض اصلی پس از فانی شدن *** یا بود جمع همه جزء بدن
121. عارض اصلی پس از تفریق آن *** این دو تعریف معاد اکنون بدان
122. نیست نبود هیچ کس را زین دو حد *** قاطع سمعی که تعیینش کند
123. زان توقف کن تو بهر احتیاط *** هم بود حق حشر و میزان و صراط
124. حوض کوثر هم کتاب و هم حساب *** این همه در سنت‌اند و در کتاب⁸
125. هست دوزخ همچو جنت جاودان *** هر دو مخلوق‌اند اکنون بی گمان⁹

در اشاعت اشراط ساعت¹⁰

1. "وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ" أعراف: 34.
2. "اعلم أن الروح سر من أسرار الله لم يؤت علمه البشر... الحق أنها تبقى وتدوم وليس تقنى خلافا للفلاسفة." برزنجی، خلاصة العقيدة، ص 219 و 222.
3. "وكرامته ظهور أمر خارق للعادة من قبله غير مقارن لدعوى النبوة، فما لا يكون مقرونا بالإيمان والعمل الصالح يكون استدراجا وما يكون مقرونا بدعوى النبوة يكون معجزة." تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ص 569.
4. "الولي هو العارف بالله وصفاته بحيث ما يمكن، المواظب على الطاعات، المتجنب عن المعاصي المعرض عن الانهماك في اللذات والشهوات." تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ص 569.
5. "ظهور خوارق العادات من الولي الذي من أحاد الأمة معجزة للرسول الذي ظهرت هذه الكرامة لواحد من أمته." تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ص 574.
6. "وندين بأن لا تكفر أحدا من أهل القبلة بذنب يرتكبه ما لم يستحلّه، كالزنا والسرقة وشرب الخمر، كما دانت بذلك الخوارج وزعمت أنهم كفرون. ونقول: إن من عمل كبيرة من هذه الكبائر مثل الزنا والسرقة وما أشبهها مستحلا لها، غير معتقد لتحريمها كان كافرا." أشعري، الإبانة، ص 26.
7. احتمالا مراد ناظم غلاة باشد که قائل به الوهیت حضرت علی و حلول خداوند در ایشان بوده‌اند؛ والا با بیت پیشین سازگار نخواهد بود.
8. برای تفصیل ادله در خصوص نامه اعمال و سؤال و حوض کوثر رجوع شود به: تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ص 459 تا 462.
9. "وهما أي الجنة والنار مخلوقتان الآن، موجودتان... باقیان لا تغنیان" تفتازانی، شرح العقائد النسفية، ص 464 و 468.
10. به نظر می‌رسد نودهی عنوان این قسمت را از کتاب "الإشاعة لأشراط الساعة" اثر محمد بن رسول برزنجی اخذ نموده باشد.

126.	حق بود اشراط ساعت بی گمان	***	چون ظهور مهدی شاه جهان ¹
127.	پیش از او ایام سفیانی بود	***	مستحل خمر و هم زانی بود
128.	بعد از او دجال پیدا می شود ²	***	کفر و سحر او هویدا می شود
129.	طی کند در مدت یک اربعین	***	با سپاه خود همه روی زمین
130.	لیک ازو محروس می دارد غفور	***	مکه و طیبه مقدس نیز طور
131.	پس مسیح از آسمان نازل شود	***	نزد لد دجال را قاتل شود ³
132.	خلق را آن دم بود مهدی امیر	***	باشدش عیسی اخص هر وزیر
133.	بعد از آن یاجوج و مأجوج شرار	***	می شود زیشان مسیح اندر حصار ⁴
134.	نزد حق عیسی شفاعت میکند	***	هم مناجات و ضراعت می کند
135.	میشوند هالک همه بعد از هلا	***	میشود از جیفه هاشان ارض پاک
136.	ماه با خور طالع از مغرب شود ⁵	***	سد باب توبه بر تایب شود
137.	دابه الارض آن زمان دارد ظهور	***	می کند تمییز مؤمن از کفور
138.	قبض جان اهل ایمان می شود	***	بعد از ایشان رفع قرآن می شود
139.	پس نماند در زمین در هیچ جای	***	آنکه راند بر زبان نام خدای
140.	تابع نفس و هوس شیطان شوند	***	مردم و زن عابد او ثان شوند
141.	جمله هالک می شوند از نفخ صور	***	از پس چل سال بعث است و نشور

در بیان نصب امام و قیام او بر احکام ائام

142.	هست بر ما فرض نصب یک امام	***	گرچه باشد کمترین خاص و عام ⁶
143.	بر همه فرمان او رایج بود	***	باغی است آن کس بر او خارج بود

در بیان افضل مردمان بعد از انبیا

144.	بهترین مردمان اولیا	***	هست یار غار بعد از انبیا ⁷
145.	بعد از او فاروق و پس عثمان بود	***	پس علی، بر روحشان رضوان بود
146.	پس سعید و سعد، طلحه هم زبیر	***	ابن عوف و ابن جراح اند خیر
147.	پس از ایشان هست افضل اهل بدر	***	پس احد پس اهل بیعت، اهل نصر ⁸

1. "وقبله يظهر المهدي ذو المكان قاتلا للمفسد السفيناني ويملا الدنيا قسطا وعدلا كما ملئت فسقا وجورا" برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 205.
 2. "ويخرج الدجال اللعين من ارض بالمشرق يقال له خراسان." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 204.
 3. "ثم ينزل المسيح عيسى بن مريم من السماء بشرق دمشق عند المنارة البيضاء.. الدجال اللعين بباب اللد يقتله عيسى." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 205.
 4. "مع خروج طوائف البأجوج والمأجوج من سد إسكندر" برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 210.
 5. "ومن أشراطها من طرف مغرب طلوع الشمس وكذا طلوع القمر منه." برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 261.
 6. "قال التنفازاني: "ثم الإجماع على أن نصب الإمام واجب.. والمذهب أنه يجب على الخلق سماعا... ولا يشترط أن يكون أفضل من أهل زمانه"
 تفننازي، شرح العقائد النسفية، ص 584 و 594.
 7. "ما طلعت الشمس ولا غربت على أحد بعد النبيين والمرسلين أفضل من أبي بكر" أخرجه أحمد في فضائل الصحابة، 1/152. فردوسي می-
 گوید: که خورشید بعد از رسولان مه *** نتابید بر کس ز بوبکر به

8. لقانی در منظومه "جوهره التوحید" چنین سروده است:
 وخیرهم من ولی الخلافة *** وأمرهم فی الفضل كالخلافة
 یلبهم قوم کرام بررة *** عدتهم ست تمام العشرة

در بیان فضل ازواج و برائت عایشه رضی الله عنها از بهتان

148.	بر همه ازواج دخت یار غار	***	با خدیجه فضل دارد بی شمار ¹
149.	وقف کن از فضلشان بر یکدگر	***	فاطمه باشد از ایشان نیکتر
150.	هم ز مریم مادر عیسی مسیح	***	آنچه من گفتم هو القول الصحيح ²
151.	عایشه از افک و بهتان پاک بود	***	چند آیه در حقش آمد فرود ³
152.	هرچه در بین صحابه اهل دین	***	گشته جاری از وقایع پیش از این
153.	زان وقایع ای خرد امساک کن	***	در حق ایشان دلت را پاک کن
154.	در حق ایشان چنان کن اعتقاد	***	که همه دارند اجر اجتهاد ⁴
155.	ختم شد ز ادمعاد خوش گوار	***	در صد و بضع و نود بعد از هزار ⁵
156.	می کنم شکرانه و حمد و دود	***	می دهم بر مصطفی بی حد درود
157.	بعد از او بر آل و بر یاران او	***	حافظان سنت و قرآن او

نتایج پژوهش:

1. با وجود مختصر بودن این منظومه، اکثر مباحث مهم کلامی را به زبانی ساده و شیوا در خود گنجانده است.
2. این منظومه توانایی اعجاب برانگیز نودهی را در نظم فارسی همچون نظم عربی آشکار می سازد.
3. نودهی در این منظومه همانند منظومه های عربی خویش در علم کلام، بر نهج اشاعره رفته است.
4. علمای گرد و از جمله نودهی به علم کلام اقبال فراوانی نشان داده و با نظم و نثر در این عرصه طبع آزمایی کرده اند.
5. بین این منظومه و دیگر منظومه نودهی به نام "الدرة الفريدة" شباهت ساختاری وجود دارد که در تعلیقات بدان اشاره رفته است.
6. منبع اصلی این منظومه و دیگر آثار کلامی شیخ معروف نودهی، کتاب شرح عقاید نسفیه از سعدالدین تفتازانی است.
7. علمای کرد سعی کرده اند با شیوه های گوناگون مردم عامه را با عقاید اسلامی آشنا کنند. از جمله این اقدامات نوشتن عقیده نامه ها به زبان های کردی و فارسی بوده است و منظومه زاد المعاد از این دست کتاب ها به شمار می آید.

منابع:

1. ابن القرمه داغی، عمر، تحفة الکرام. دار الفتح، عمان، 2020م.
2. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة. مؤسسة الرسالة، بیروت، 1983م.
3. اشعری، علی بن اسماعیل، الإبانة. دار الأنصار، قاهره، 1397ق.

فأهل بدر العظيم الشان *** فأهل أحد فبيعة الرضوان
باجوري، تحفة المريد، ص 160.

1. قال البرزنجي: "ولا خلاف أنهما أفضل أزواجه صلى الله عليه وسلم" برزنجي، خلاصة العقيدة، ص 261.
2. این قول منسوب به امام مالک است که حضرت فاطمه را برترین زنان عالم دانسته اند. قَالَ مَالِكٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: "لَا أَفْضَلُ عَلَى بُضْعَةٍ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدًا". سيوطي، الحاوي للفتاوى، ج 2، ص 354.
3. منظور آیات 11 تا 26 سورة نور است که در خصوص پاکی حضرت عایشه نازل شد.
4. قال التفتازاني: "وما وقع بينهم من المنازعات والمحاربات فله محامل، أقل تلك المحامل وقوع الخطأ في الاجتهاد." تفتازاني، شرح العقائد النسفية، ص 601.
5. بضع به 3 تا 10 گفته می شود؛ لذا تاریخ نظم کتاب سال 1193 تا 1200 هجری بوده است.

4. أمدي، علي بن محمد، *أبكار الأفكار*. دار الكتب العلمية، بيروت، 2003م.
5. باجوري، إبراهيم، *تحفة المريد*. دار الكتب العلمية، بيروت، 2004م.
6. برزنجي، احمد فائز، *خلاصة العقيدة*. تحقيق: حميد محمدامين الكردي، دار الفتح، عمان، 2021م.
7. تفتازاني، مسعود بن عمر، *شرح العقائد النسفية*. دار نور الصباح، 2012م.
8. تفتازاني، مسعود بن عمر، *شرح المقاصد*. الشريف الرضي، قم، 1409ق.
9. خال، محمد، *الشيخ معروف النودهى*. تحقيق: حميد محمدامين الكردي، مركز الخال، سلیمانيه، 2021م.
10. رازی، محمد بن عمر، *المحصل*. مؤسسة الرسالة، بيروت، 1997م.
11. رازی، محمد بن عمر، *مفاتيح الغيب*. دار إحياء التراث العربی، بيروت، 1420ق.
12. زركشي، محمد بن عبدالله، *البحر المحيط*. دار الکتبی، 1994م.
13. سيوطي، عبدالرحمان، *الهاوي للفتاوى*، دار الفكر، بيروت، 2004م.
14. شاطبي، ابراهيم بن موسى، *الاعتصام*. دار ابن عفان، 1992م.
15. غزالي، محمد بن محمد، *المنقذ من الضلال*. نشر مولی، تهران، 1393ش.
16. فاوی، عبد الفتاح، *المقالات العشر في علم الكلام*. مطبعة كلية دار العلوم، قاهره، 1993م.
17. مدرس، عبدالكريم، *الفوائد التوحيدية على الرسالة الحميدية*. دار الرياحين، عمان، 2021م.
18. مولوي، عبدالرحيم، *الفضيلة*. دار إحياء التراث العربی، بيروت، 2016م.

پەر تووکەشیر ی "زاد المعاد فی مهمات مسائل الاعتقاد" دانراوی شیخ مافی نوډییه به زمانی فارسی له زانستی که- لاما. ئەم هونراوه له 157 بهیت پښکھاتوو و گرنګترین بابەتەکانی عمقیدە ی ئیسلامی به کورتی تیندا باسکراوه. ئەم کتیبە پربایەخه تا ئیستا ساغ نەکراوەتەوه و گومان وایوو که فوتاوه؛ بەلام خۆشەختانە هەردوو تویرەر ئەم مەنزومەیان ساغ کردۆتەوه و لیکۆلینەویان لەسەر کردوو. بەم شیوازه که له دوا ی پېشەکی و له بەشی لیکۆلینەوه دا ژبانی شیخ مافی نوډیان له سەرەتاوه نووسیوه، پاشان کورتەیکه له میژووی زانستی کهلامیان له شارستانییهتی ئیسلامیدا داووته بەر باس و دواتر پیناسەیان بو ئەم بەر هەمه کردوو و گرنګی ئەم بەر هەمهیان له نیوان بەر هەمهکانی نوډیی و میتودی نوډییی لەم کتیبەدا باس کردوو. له بەشی ساغکردنەوه دا دهقی پەر تووکەشیر مەکیان به پشت بەستن به دوو نوسخه ی دەستنوس نووسیوه و بو زیاتر پروونکردنەوه ی چەند بابەتیک ی زانستی و ژبانی که سایەتییەکان و پشتر استکردنەوه ی دهقه وەرگیراوهکان لەسەر هەندیک بابەت پەر اوێزیان نووسیوه. له کۆتاییشدا گرینګترین دەر ئەنجامەکانی ئەم تویرینەوه و سه- رچاومەکانی به ریز نووسراون. ئەم تویرینەوه به ئامانجی ساغکردنەوه ی دستخەتیک ی زانایانی کورد و بەشدار ی له زیندوکردنەوه ی میراتی پینشینانمان نووسراوه. نوډییی لەم بەر هەمه دا هەولی داوه به زمانی فارسی خەلکی ئاسایی له بیروباوه ی ئیسلامی تێبگهینیت و زۆرترین کهلکی له بەر هەمهکانی سه عەده دینی تهفتازانی وەر گرتوو.

وشه گیلییه‌کان: زانستی که لام، شیخ مه‌عرووفی نوډی، مه‌نزوومه زانستییه‌کان، که لامی ئه‌شعیری

The book is a poem by Sheikh Marfi Nodeh in Persian in the theology. This poem consists of 157 verses and briefly discusses the most important issues of Islamic doctrine. This valuable book has not yet been sold and is suspected of being lost; Fortunately, both researchers have proved and studied this poem. In this way, after the introduction and in the research section, they have written the life of Sheikh Marfi Node from the beginning, then they have discussed a brief history of theology in Islamic civilization and then they have defined this work and its importance. They have discussed this work among Nodei's works and Nodei's method in this book. In the verification section, they wrote the text of the book of poems based on two

manuscripts to further explain some scientific topics and the lives of the characters and to confirm the texts taken. Finally, the most important findings and sources of this research are listed. This research is written with the aim of proving a manuscript of Kurdish scholars and participate in reviving the heritage of our ancestors. In this work, Nodeyi has tried to explain the Islamic beliefs to ordinary people in Persian and has made the most use of the works of .Saadeddin Taftazani

Keywords: Science of theology, Sheikh Ma'roof Node, scientific poems, poetic theology